

بسم الله الرحمن الرحيم

زمان قیام؛ آیا زمان پایان دادن سلطه خانان نرسیده؟

(ترجمه)

بیش از یک سال از وقایع هفتم اکتبر ۲۰۲۳ می‌گذرد و از آن زمان تاکنون، جهان در شوک و سکوت، قتل‌عام‌های وحشتناکی را که رژیم یهود مرتکب می‌شود، نظاره می‌کند. اخیراً زمانی که اعلام شد توافقی برای آتش‌بس صورت گرفته است، مردم غزه و تمام جهان از این خبر خوشحال شدند. مردم غزه سرانجام فرصت کوتاه برای استراحت از فجایعی که یهود علیه آن‌ها مرتکب می‌شود، یافتند.

اما این توافق به معنای توقف کامل خشونت و جنایات نیست، زیرا گزارش‌های متعددی همچنان از ادامه جنایات در کرانه باختری حکایت دارند. در همین حال، اظهارات دونالد ترامپ و اقدامات بنیامین نتانیا هو نشان می‌دهد که این فجایع متوقف نخواهند شد.

در طول این نسل‌کشی، حُگام سرزمین‌های اسلامی بی‌تفاوتی و سکوت ذلیلانه از خود نشان دادند. امت، آنان را فراخواند و از ایشان خواست که برای آزادی فلسطین، سرزمین و مردمش، ارتش‌ها را بفرستند، اما آن‌ها هیچ اقدامی نکردند. در عوض، تنها به صدور بیانیه‌های ضعیف و مبهم بسنده کردند و در آن، جنایات رژیم یهود را محکوم نمودند، در حالی که هم‌زمان روابط تجاری و دیپلماتیک خود را با این رژیم ادامه دادند. پس از همه این‌ها، رامحل "قانونی" را با ایجاد رژیم یهودی پذیرفتند که نه به قوانین بین‌المللی پایبند است و نه به عرف‌های جهانی توجهی دارد.

بارها این پرسش را مطرح کرده‌ایم: چگونه ممکن است این حُگام در برابر این قتل‌عام‌ها سکوت کنند، در حالی که قلب‌های ما از رنج و مصیبتی که بر سر برادرانمان در فلسطین می‌آید، به درد آمده است؟ اما این تحولات سیاسی حقیقتی تکان‌دهنده و هولناک را آشکار ساخت؛ این حُگام را چیزی جز منافع‌شان به حرکت وانی دارد. آنان همگی، به نوعی، از ادامه این فجایع سود می‌برند؛ خواه از طریق حمایت مستقیم از رژیم یهود باشد، خواه از طریق ائتلاف‌شان با امریکا. دلیل دیگر این خیانت آن است که این حُگام، چنانچه منافع‌شان ایجاب کند، خود نیز آماده‌اند تا مرتکب چنین جنایاتی شوند.

برای مثال؛ در سوریه گزارش‌ها فجایعی را که رژیم جنایتکار علیه مردم خود مرتکب شده است، برملا کرده‌اند. مردم آنجا جمله‌ای معروف داشتند: "دیوارها گوش دارند"، که اشاره به شبکه گسترده اطلاعاتی و امنیتی رژیم، معروف به استخبارات، داشت. این سیستم نظارتی، هرگونه انتقاد از رژیم را به خطری مرگبار تبدیل می‌کرد که می‌توانست به ناپدید شدن فرد در یکی از بازداشتگاه‌های متعدد یا زندان‌های مخفی منجر شود. یکی از این زندان‌ها، زندان صیدنایا "سرخ" بود که به "کشتارگاه انسانی" شهرت یافت؛ مکانی که در آن شکنجه سیستماتیک و قتل به طور سازمان‌یافته انجام می‌شد. این زندان به ویژه پس از آغاز انقلاب سوریه در سال ۲۰۱۱، برای سرکوب مخالفان سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

از جمله روش‌های شکنجه‌ای که در این زندان‌ها اعمال می‌شد، روش "دولاب" بود، که طی آن زندانی را وادار می‌کردند تا درون یک حلقه لاستیک بزرگ خم شود و سپس به‌شدت شلاق می‌خورد. روش دیگر "فَلْفَه" بود، که در آن کف پای زندانیان با کابل‌های سنگین و ضخیم به‌شدت ضربه می‌خورد.

علاوه بر این، زندانیان را از مچ دست یا بازوهای‌شان برای مدت‌های طولانی آویزان نگه می‌داشتند، که این امر باعث در رفتگی مفاصل و ایجاد آسیب‌های دائمی می‌شد. بازداشت شدگان گزارش داده‌اند که آن‌ها عمداً در معرض گرسنگی شدید قرار می‌گرفتند، یا مقدار بسیار کمی غذای فاسد و غیرقابل مصرف به آن‌ها داده می‌شد. همچنین، محرومیت از نور طبیعی خورشید منجر به سوء تغذیه شدید، بیماری‌های پوستی و سایر مشکلات جسمی خطرناک می‌شد. مراقبت‌های پزشکی تقریباً به طور کامل متوقف شده بود، حتی در مواردی که زندانیان در وضعیت بحرانی قرار داشتند، که این مسئله به مرگ بسیاری

از آن‌ها بر اثر بی‌توجهی پزشکی انجامید. افزون بر این، خشونت جنسی نیز به عنوان ابزاری برای تحقیر، شکنجه و تسلط بر زندانیان مورد استفاده قرار می‌گرفت. (منبع: الجزیره)

همچنین گزارش‌هایی وجود دارند که به تفصیل چگونگی همکاری مصر با سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) را شرح می‌دهند، جایی که مصر به‌عنوان یکی از مراکز اجرای "شکنجه نیابتی" مورد استفاده آمریکا قرار گرفته است. (منبع: تایم)

اما در اردن، پس از حوادث یازدهم سپتامبر، مقامات تدابیر سخت‌گیرانه‌ای را به بهانه مبارزه با تروریسم اعمال کردند. آنان تعریف تروریسم را در قوانین اردنی گسترش دادند و شمار جرایمی را که مجازات آن‌ها اعدام یا حبس ابد است، افزایش دادند. دولت اردن اخیراً پیش‌نویس قانونی برای مبارزه با تروریسم ارائه کرده است که در حال حاضر در پارلمان اردن تحت بررسی و بحث قرار دارد. تصویب این قانون به محدودیت‌های بیشتر بر آزادی‌های عمومی و حقوق بشر منجر خواهد شد.

سازمان عفو بین‌الملل گزارش‌های متعددی دریافت کرده است که نشان می‌دهد افرادی به دلیل اعتقادات اسلامی خود بازداشت شده‌اند و تحت شکنجه و بازداشت‌های طولانی‌مدت بدون محاکمه قرار گرفته‌اند. در حقیقت، شکنجه در اردن تنها به پرونده‌های سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه مظنونان جرایم جنایی عادی را نیز شامل می‌شود.

یک مقام ارشد سابق در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) اظهار داشت: «اردن در صدر فهرست شرکای خارجی ما قرار دارد... آن‌ها آماده‌اند تا به هر شکل ممکن همکاری کنند.» همچنین، یک مقام دیگر گفت: «اگر زندانی‌ای را به اردن بفرستید، بازجویی بهتری دریافت خواهید کرد.» (منبع: سازمان عفو بین‌الملل)

در ترکیه، سازمان دیده‌بان حقوق بشر موارد متعددی از نقض حقوق بشر و جنایات جنگی را توسط گروه‌های مسلح مورد حمایت ترکیه در شمال سوریه ثبت کرده است. این تخلفات شامل آدم‌ربایی، بازداشت‌های خودسرانه، حبس غیرقانونی، خشونت جنسی و شکنجه بوده و در برخی موارد، عناصر امنیتی ترکیه نیز در این اقدامات دست داشته‌اند. این سازمان همچنین دخالت نیروهای مسلح و دستگاه‌های اطلاعاتی ترکیه را در اجرای این تخلفات و نظارت بر آن‌ها افشا کرده است. این نقض‌ها شامل مصادره اموال، اخاذی و سرقت بوده و عدم موفقیت در محدود کردن این تخلفات یا ارائه هرگونه جبران خسارت به قربانیان را نیز در بر می‌گیرد.

آدام کوگل، معاون مدیر بخش خاورمیانه در سازمان دیده‌بان حقوق بشر، اظهار داشت: «تا زمانی که ترکیه مسئولیت این نقض‌ها را نپذیرد و برای متوقف کردن آن‌ها اقدام نکند، نقض حقوق افرادی که تحت حاکمیت ترکیه در شمال سوریه زندگی می‌کنند، از جمله شکنجه و ناپدیدشدن‌های اجباری، ادامه خواهد داشت.» وی افزود: «مقامات ترکیه تنها ناظران این نقض‌ها نیستند، بلکه به‌عنوان نیروی اشغالگر، مسئولیت دارند و در برخی موارد، به نظر می‌رسد که مستقیماً در جنایات جنگی دخیل بوده‌اند.»

در مورد فلسطین، همواره تشکیلات خودگردان فلسطین با ارتش اشغالگر هماهنگی امنیتی داشته و از روش‌های سرکوب مشابهی استفاده کرده است. این امر به وضوح در سرکوب‌های جنین نمایان شد؛ جایی که محاصره‌های شدید اعمال شد، آب و برق قطع گردید و از ورود مواد اساسی جلوگیری به‌عمل آمد. همچنین، نیروهای امنیتی وابسته به تشکیلات خودگردان تک‌تیراندازی را بر روی پشت‌بام‌ها مستقر کرده و موانعی برای محدود کردن حرکت مقاومت ایجاد کردند. علاوه بر این، بازداشت‌ها و شکنجه‌های مستند شده‌ای علیه بسیاری از دستگیرشدگان صورت گرفت.

در عربستان سعودی، جهان از جنایاتی که این کشور در یمن مرتکب شده است، آگاه است. همچنین، قتل فجیع جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی، همچنان در اذهان باقی است.

در پاکستان، داکتر عافیه صدیقی بیش از ۲۰ سال است که به اتهامی که مرتکب نشده، در زندان به سر می‌برد. پاکستان نه تنها او را رها کرد، بلکه در تحویل او به امریکا نیز همدستی داشت. او در آنجا تحت شکنجه قرار گرفت و تا به امروز به طور نا عادلانه در زندان است.

تمامی این نمونه‌ها تنها قطره‌ای از دریای فجایعی است که حاکمان امروز مرتکب می‌شوند. در اینجا به‌صراحت می‌پرسیم: آیا این واقعیت ما را وادار نمی‌کند که درباره دلیل پذیرش حاکمیت این ستمگران بیندیشیم؟ چرا اجازه می‌دهیم آن‌ها قدرت خود را بر ما تحمیل کنند، درحالی‌که علیه مردان، زنان و کودکان امت ما مرتکب جنایات می‌شوند؟ آیا این به دلیل ترس است؟

اگر چنین است، باید به یاد داشته باشیم که هر آنچه به ما می‌رسد، به اراده الله سبحانه و تعالی است و آزمایشی از سوی اوست. ما باید یقین کامل داشته باشیم که بلا و مصیبت، آزمونی از جانب اوست تا صابران را به درجات عالی برساند. الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [توبه: 51]

ترجمه: بگو: هرگز چیزی (از خیر و شر) به ما نمی‌رسد، مگر چیزی که خدا برای ما مقدر کرده باشد. (این است که نه در برابر خیر مغرور می‌شویم و نه در برابر شرّ به جزع و فزع می‌پردازیم، بلکه کاروبار خود را به خدا حواله می‌سازیم، و) او مولی و سرپرست ما است، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند و بس.

﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ﴾ [انعام: 17]

ترجمه: اگر الله زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد، و اگر خیری به تو برساند (هیچ کس نمی‌تواند از آن جلوگیری کند)، چرا که او بر هر چیزی توانا است.

چگونه می‌توانیم از این حاکمان ستمگر بترسیم؟ آیا نباید همان‌گونه که از دیدن جنایات اشغالگران در فلسطین خشمگین می‌شویم، از اعمال این حاکمان نیز احساس خشم و انزجار کنیم؟

اگر چنین احساسی داریم، چرا این خشم ما را به برکناری این حاکمان که مانع حمایت ما از برادران و خواهران مسلمانان می‌شوند، ترغیب نمی‌کند؟ چرا به آن‌ها اجازه می‌دهیم که ادعای وفاداری ما را داشته باشند؟ چرا آن‌ها را به عنوان حاکمان خود می‌پذیریم؟

این‌ها سؤالاتی است که باید به آن‌ها بیندیشیم. با تأمل در این پرسش‌ها، باید از خود بپرسیم: صبر ما تا کی ادامه خواهد داشت و چه زمانی کاسه صبرمان لبریز خواهد شد؟

نویسنده: فاطمه مصعب

مترجم: پارسا امیدی